

روزهای سخت خلق کرد

بدنیال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از طرف رژیم خمینی و اعلام آتش‌بس از جانب طرفین درگیر جنگ، وضعیت جدیدی در شرایط مبارزاتی کرد ها بویژه کرد های عراقی ایجاد شده است. تعداد کرد هایی که به سوی ترکیه عازمند افزایش می یابد. بخش اعظم اینان را زنان و کودکان تشکیل می دهند. کرد های عراقی و ایرانی که سالیان درازی است زیر باران گلوله بسر می برند، با برقراری آتش‌بس، با دشواریهای جدید روبرو شده اند. اگر برقراری آتش‌بس در نقاط دیگر ایران و عراق مفهوم توقف جنگ و اتمام کشت و کشتار را داشته باشد، این امر در کردستان ایران و عراق تشدید حملات نظامی و شعله و زتر شدن نائره جنگ را می تواند در پی خود داشته

بقیه در صفحه ۱۲

اعلام آتش بس موقتیتی بزرگ برای مردم

بعد از ۸ سال جنگ و خونریزی، ایرانی و آتش افروزی، سران رژیم مجبور شدند اعلام آتش‌بس دهند و پای میز مذاکرات صلح بنشینند. این خود موقتیتی است بزرگ برای مردم هر دو کشور درگیر جنگ. سردمداران رژیم که حتی تا یک روز قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، از ادامه جنگ تا پیروزی و صدور انقلاب به شرق و غرب دم می زدند، مجبور شدند "جام زهر" واقعیا را سر بکشند. اینکه در قبول قطعنامه از جانب ج. ا. عوامل متحد بین المللی و داخلی مؤثر بوده و بیش از همه و به زبان خود سخنگویان رژیم این امر بخاطر حفظ صلحت "اسلام و نظام" صورت گرفته جای تردیدی نیست. رژیم جنگ - طلب خمینی از موضع ضعف و بخاطر ادامه حیات تنگین خود مجبور شد که به مذاکرات صلح تن دهد. بعد از قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل از جانب رژیم ج. ا. و قبول مذاکرات رو در رو با رژیم صدام، اقدامات عملی در جهت آتش بس و پایان دادن به جنگ از جانب دبیر کل سازمان ملل متحد صورت گرفت. نیروها پاسدار صلح سازمان ملل متحد در مرزهای دو کشور عراق و ایران مستقر شدند و همگام با آن مذاکرات وزرای خارجه دو کشور در ژنو ادامه دارد. مذاکرات هنوز به هیچ

بقیه در صفحه ۹

نوزدهمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی و پروسترویکا

برگزاری ۱۹ - مین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی - موج جدیدی از بحث های داغ در پیرامون مسائل روز و معضلات جامعه در میان مردم شوروی برانگیخت. نشست چهار روزه ۵۰۰۰ نماینده شرکت کننده در کنفرانس و بحث های داغ و صریح تعدادی از آنان، بویژه انتقادات صریح یلتسین (که بدلیل همین صراحت ها از هیئت سیاسی برکنار شده بود) به عنوان یکی از رادیکالترین نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس و مخاطب او لیگاچف (نفر دوم حزب و دولت شوروی) که در مقابل، در رده بندی نمایندگان محافظه کار جای می گیرد، افکار عمومی را بخود جلب کرده

بقیه در صفحه ۲

در این شماره :
کریم قربان نیس اف شاعر نامدار خلق ترکمن درگذشت
تمام نیروی خود را برای نجات جان زندانیان سیاسی کشور بسیج کنیم
 در صفحه ۱۲
اغوزنامه حماسه باستانی خلق ترکمن
 در صفحه ۷
در باره مخنومقلی
 در صفحه ۵
گوزلیک
 در صفحه ۱۰

نوزدهمین کنفرانس...

بود. هر چند لیگاجف هنوز با حامیانی که در هیئت سیاسی و برون از آن دارد، از زمینه ادامه سیاست محافظه کارانه خویش، کم و بیش برخوردار است، ولی آنچه که مردم کنجکاو و در انتظار دگرگونیهای اساسی شوروی را بسوی خود جلب میکند، انتقادات صریح و روشن یلتسین است. مردم شوروی بعد از مدتهای مدیدی، برای نخستین بار شاهد و ناظر مستقیم و غیر مستقیم بحثهای درون حزبی میشوند. اکنون آنان میتوانند بخوبی تشخیص دهند که در جلسات رسمی حزب چه می گذرد و کی به کدام خط و جناح تعلق دارد و در اطراف مسائل حاد جامعه چه نقطه نظراتی را نمایندگی می کند. اگر این روند ادامه یابد، دیگر هیچ مسئله ای از انتظار کنجکاو و دقیق مردم پنهان نمانده و سره از ناسره توسط همین مردم تمیز داده خواهد شد.

میخائیل گورباچف، دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی، در واقع انقلابی را در زندگی سیاسی - اجتماعی مردم شوروی و نیز در حزب کمونیست این کشور آغاز نمود. اگر در اکتبر ۱۹۱۷، انقلاب از پایین و از بین توده های زحمتکش به رهبری بلشویک ها برخاسته باشد، اکنون دنباله این انقلاب، در کشوری که حزب کمونیست آن به نمایندگی طبقه کارگر قدرت سیاسی را در دست دارد، توسط رهبران این حزب و از بالا هدایت می شود. بدیهی است که شکست یا پیروزی این دگرگونی ها رابطه مستقیم با میزان شرکت و عدم شرکت مردم دارد.

کنفرانس در قطعنامه پایانی خود یک سری مواد انقلابی را به تصویب رسانید. این قطعنامه بخودی خود قابل تأیید است. ولی ضمانت اجرایی مواد آن، با توجه به مقاومت های شدیدی که از طرف محافظه کاران درون حزب بعمل می آید و نیز با توجه به عدم تعیین زمان مشخص جهت عملی ساختن آنها، هنوز صد در صد نیست.

پروسترویکای گورباچف طلایه دارهائی دگرگونیهای همه جانبه ای است که مردم شوروی مدتها در انتظار آنند. بدین سبب نیز هست که این پروسترویکا به محض پانهادن به عرصه سیاسی، با استقبال گرم مردم روبرو گردید. لذا آنچه که نباید از نظر دور داشت، نقش تعیین کننده رهبری حزب کمونیست شوروی و نیز ۵۰۰۰ نماینده دعوت شده به کنفرانس است. اینانند که باید مصوبات کنفرانس را بین مردم برده و آنها را جهت پیاده نمودن رهبری کنند. یلتسین هر چند بخاطر بیان نقطه نظرات انتقادی رادیکال خویش و نیز انگشت گذاردن روی مسائل گرهی ای که گریبانگیر جامعه شده است، از تشویق و استقبال مردم که ناظر جریان بودند، برخوردار گردید، ولی اکثر نمایندگان کنفرانس چنین استقبالی را از وی دریغ کردند. این خود بیانگر آنست که محافظه کاران و آنانی که معتقدند روندی که جامعه شوروی تاکنون طی کرده قانونمند بوده و غیر از آن نیز روند دیگری را متصور نیستند، دست بالا را در کنفرانس و نمایندگی آن داشته اند.

برگزاری ۱۹ - مین کنفرانس و پخش قسمت هایی از آن از شبکه تلویزیون و بیان

نقطه نظرات و طرح انتقادات جدی، در راستای اهداف پروسترویکا که انگیزه اصلی آن را انگیزه سیاسی تشکیل می دهد، عمل کرده است. پروسترویکا قبل از هر چیز دموکراتیزه کردن جامعه، مشارکت مردم در حل و فصل مسائل خویش، گشایش درهای امکانات سیاسی بسوی مردم و... را مد نظر دارد. جنبه اقتصادی پروسترویکا هر چند پراهمیت است، ولی نسبت به جنبه سیاسی آن در درجه دوم قرار دارد. البته هم اکنون نیز تغییراتی در این زمینه صورت گرفته است. از آنجا که بنا به اظهارات گورباچف: "سألهای رکود، کشور را به لبه بحران اقتصادی کشانده بود"، اقتصاد کشور بویژه اقتصاد مصرف بحال رکود افتاده و نقدینگی مردم انباشته شده و میزان درآمد نسبت به میزان مصرف بطور نامتعادل و بدقواره رشد کرده است. طبیعی است که مردم طالب صرف مقدار معتناسبی از این نقدینگی در جهت برآوردن احتیاجات خویش باشند؛ بشرط آنکه این کالاهای مورد احتیاج، از طرف دولت به بازار عرضه شده و در دسترس صرف کنندگان قرار گیرد. اقدامات جدید دولت شوروی در این زمینه بویژه انعقاد قرار دادهای جدید اقتصادی با برخی از کشورهای اروپای غربی، منجمه آلمان فدرال، و دریافت ۳/۷ میلیارد مارک وام از این کشور برای سرمایه گذاری در صنعت مصرف، گویای این مطلب است.

طرفداران پروسترویکا علل اساسی رکود اقتصادی و عدم برقراری دموکراسی واقعی را در سیاست ضد سوسیالیستی استالین می دانند. آنان معتقدند که استالین با ایجاد جو ترور و اختناق از سوسیالیسم بقیه در صفحه ۸

کریم قربان نپس آف شاعر نامدار خلق ترکمن درگذشت



کریم آقا

دوستلار! نادیپ بیتیر دینگیز الوان گۆللی "دوستلوق چمنی" بوقان اللری؟ "تایماز بابا" هانی سنینگ خدایینگ "منزیل" یولا چئنگی نادایدینگ؟

ای قارا قوم! گسرین دؤنیانی اووروز تۆوه لی توروز گۆزله، قارا گۆزله! گچه لکه بؤلونگ دالی جیحونا.

بولوتلار! گوو سؤنگیز دأکی سرمست سئل لاری دؤکۆنگ مستانه!

(بو گۆن آسمان، یئلده نزلارا یاسحانا) چئنارئم! حاضیر

آسمانلارا دال یره باقمالی بو یتیم لیکده

کیمدن اوورنچک یاپراقلاماتی؟

سانجار

* کریم آقانینگ یدی سانی منظوماسئنی اوورونده چمن لیان "یدی یاپراق" اتلی ابدی اثری بار.

نهاد - کریم قربان نپس آف، از اوان کودکی جهت کمک به امرار معاش خانواده خود به کار سخت جسمی کشیده شد و از کودکی با هیولای جنگ آشنا گردید. دوران کودکی و نوجوانی شاعر، مصادف با سالهای سیاه و ویرانگر جنگ دوم جهانی بود. خانواده شاعر که بسیار زود سر پرست خود را از دست داده بود، مجبور به مهاجرت به بخش "تجن" گردید. با استعدادی که شاعر در هنر نویسندگی از خود نشان داد، بزودی به هیئت تحریریه روزنامه های "ضارب چی" و "تجن استروی" راه یافت و از سال ۱۹۴۵ تا سال ۱۹۴۹ با این روزنامه ها همکاری کرد. بعد از اتمام دوره نظام وظیفه، از سال ۱۹۵۲ در چاپخانه دولتی بقیه در صفحه ۴

کریم قربان نپس آف، شاعر نامدار خلق ترکمن، در اول سپتامبر ۱۹۸۸ دیده از جهان فرو بست. با مرگ وی خلق ترکمن یکی از درخشان ترین ستاره های ادبیات خویش را از دست داده و در سوگ نشست.

کریم قربان نپس آف، که از سلاله مخرمقلی ها، کمینه ها، ذلیلی ها، سیدی ها و ... بردی کربابایف ها و وارث خلف ادبیات کلاسیک خلق ترکمن بود، در آسمان هنر و ادب این خلق جزو اختران تابناکی است که همیشه پرتوافشانی میکنند. وی در هیجدهم ماه اکتبر سال ۱۹۲۹ در روستای "گوگ دپه" در بخش گوگ دپه ترکمنستان شوروی در خانواده فقیر دهقانی دیده به جهان گشود و با به عرصه رنج و کار خانواده خود

آیتم گۆنۆم دوعماسئن
گینگ صأحرامدا پارلاسن

ایلیم گۆنۆم بولماسا
اووز ارکین لیک بایداغی

کریم قربان نپس اف ...

ترکمنستان (دایره نشریات دولتی ترکمنستان) شروع بکار نمود. وی مراحل رشد خود را سرریعاً طی کرده و طی سالهای بعد، بعنوان مشاور ادبی، منشی، معاون رئیس اتحادیه نویسندگان ترکمنستان شوروی، دبیر اول هیئت تحریریه روزنامه طنز "توقماق" و مجله هنری - ادبی "ساوتدکایا لیتراتور" (ادبیات شوروی) مشغول بکار گردید. در سال ۱۹۵۰ به عضویت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی درآمد. در سال ۱۹۶۰ بطور مکتوبه ای تحصیلات عالی خود را در دانشگاه دولتی ترکمنستان بنام ماکسیم گورکی پایان رسانید. در دوره جنگ جهانی دوم، استعداد ادبی شاعر از خلال شعله های جنگ پر لهیب ضد فاشیستی زبانه کشیده و به میان خلق راه یافت. در این سالها بسیاری از اشعار او آذین بخش صفحات روزنامه های ترکمنستان شوروی گردید. فرم نو و متکامل اشعار کریم قربان نپس اف بزودی توجه هنردستان و هنرپروان را بخود جلب نمود. در سال ۱۹۵۱، اولین کتاب از مجموعه اشعار شاعر به نام "گویچینگ گوزیاشی" منتشر گردید. از آنزمان تاکنون بیش از ۳۵ کتاب شعر و منظومه از آثار کریم قربان نپس اف، در عشق آباد، مسکو، کیف، آلماتا و یلنیوس، و... انتشار یافت و اشعار وی به بسیاری از زبانهای خلقهای اتحاد جماهیر شوروی و جهان ترجمه گردید. منظومه های "تایماز بابا"، "قوم دان تاپیلان یئورک" "آیال باخشی" بویژه از شهرت بسزایی برخوردار بودند. شاعر، در عین حال به

آشنایی خلق خود با آثار دیگر شعرای جهان اهمیت بسزایی قایل بود. وی در تلاش برای انجام وظیفه فوق، اشعار آ. پوشکین، ن. نکراسف، شاندر تپوفی، آ. تواردوفسکی و آثار بسیاری از استادان سخن و ادب خلقهای مختلف جهان را به زبان ترکمنی ترجمه نمود. بهترین آثاری که شاعر ترجمه نمود، در مجموعه ای بنام "گلچین دوستی" جمع آوری گردید. کار هنری - ادبی و فعالیت اجتماعی شاعر از طرف حزب و دولت ترکمنستان شوروی با اعطای نشانها و تقدیر نامه های متعدد همراه بود. کریم قربان نپس اف در سال ۱۹۶۷ موفق به کسب عنوان "نویسنده خلقی ترکمنستان" و در سال ۱۹۷۰ مفتخر به اخذ جایزه دولتی ترکمنستان بنام "مختومقلی" گردید و بسا کار و تلاش شبانه روزی خود نشانهای "دوستی خلقها"، "پرچم سرخ کار" و تقدیر نامه های زیادی را از آن خود نمود. شاعر نامدار، وظایف پر مسئولیت سیاسی و اجتماعی خود را نیز با موفقیت پیش برد. وی از سال ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۸۸، سه بار به نمایندگی شورای عالی جمهوری ترکمنستان شوروی انتخاب گردید و چندین بار بعنوان عضو هیئت مدیره اتحادیه نویسندگان ترکمنستان شوروی انتخاب و از کنگره چهارم نویسندگان جمهوری ترکمنستان به اینسوی بعنوان عضو دائمی ارگانهای رهبری سازمانهای نویسندگان جمهوری ترکمنستان شوروی تعیین گردید. در طول سالهای ۱۹۸۷ - ۱۹۷۶ ریاست کمیته اهداء جوایز دولتی بنام "مختومقلی" را نیز

عهده دار گردید.

کریم قربان نپس اف نه فقط در بین خلق ترکمن ترکمنستان شوروی، که در میان همه ترکمنان سراسر جهان از شهرت و محبوبیت بسزایی برخوردار است. در میان خلق ترکمن ایران، کریم قربان نپس اف معروف به مختومقلی عصر کنونی و وارث حقیقی ادبیات کلاسیک ترکمن در عصر حاضر بشمار میرود. بسیاری از اشعار شاعر در پیکار خلق علیه ددمنشی و انسان ستیزی و آزادی کشی رژیم قرون وسطایی خمینی، همچون سلاحی برنده بکار گرفته می شود. وی راهنمای صادق و دلسوز جوانان بوده و مقالات اومانیستی و ادبی اش، در پرده رشد ادبیات ترکمنی در ترکمنستان ایران و در پرورش نسلی جدید از میان جوانان در عرصه هنر و ادب تأثیرات غیر قابل انکار و بسزایی داشته و دارد. اشعار شاعر بزرگ به جوانان درس دوستی و عشق و محبت و انسان پرستی را آموخته است. بسیاری از اشعار کریم قربان نپس اف، هم اکنون بطور مخفیانه در میان خلق ترکمن ایران دست بدست میگردد و گرمی بخش دلها و هستی بخش جانها و یاور همیشگی مبارزین ترکمن در مبارزه علیه انسان ستیزی رژیم خمینی میباشد. نام شریف کریم قربان نپس اف، در قلب بزرگ خلق زنده است و همواره بدین نام زنده خواهد ماند. کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ایران، این ضایعه بزرگ را به تمامی ترکمن ای جهان و به دولت و حکومت کمونیست ترکمنستان شوروی و به تمامی دوستداران وی و نیز به خانواده گرامی شاعر تسلیم میگوید.

دربارهٔ مختومقلی

در سالهای اخیر آموزش آثار مختومقلی گسترش وسیعی یافته است. میراث ادبی او و دیدگاههای اجتماعی - سیاسی، فلسفی و ایده آلستی شاعر توجه ادیبان و از جمله خوانندگان و پژوهندگان کشورهای خارجی و در حال حاضر بویژه توجه خوانندگان ایرانی را که از سلطهٔ ارتجاع سیاه رنج می برند، بخود جلب نموده است. چاپ چندین بارهٔ "دیوان کامل مختومقلی"، "منتخب اشعار" و درج مقالات متعدد در روزنامه ها و مجلات به زبانهای ترکمنی و فارسی و ترتیب نشسته های ادبی در رادیو بیانگر این مسئله است. چندی پیش یکی از انتشارات تهران کتابی را با عنوان عربی "تنبیه الاخوان فی ما ایفاتی مختومقلی ایشان" منتشر نمود. نویسندهٔ کتاب آخوندی بنام عبدالرحمن تنکلی طعنه می باشد.

این کتابچه به بررسی ایده های صوفیستی شاعر اختصاص دارد. ایده های صوفیستی شاعر تا بحال بررسی نشده و یا اینکه بسیار اندک مورد بررسی قرار گرفته است.

نویسنده در این کتابچه ۳۵ صفحه ای خود به جنبه های مختلف کتاب می پردازد. او انتقاداتی چند و بعضاً بحق را مطرح می کند. کوتاه سخن اینکه نویسنده، از پیدایش کلمه "ترکمن" و شرح حال شاعر گرفته، تا عشق او به خداوند می پردازد. بهتر است که به فهرست کتاب مراجعه کنیم: مقدمه، پدر دوم (ثانی) ترکمنها، مفهوم "ترکمن"، اصل و نسب و مقام حضرت مختومقلی و تفهیمات مختومقلی دربارهٔ اساسات دین، شریعت، طریقت، حقیقت، شناخت مختومقلی از خدا، شناخت

مختومقلی از حضرت محمد (ص)، ایدهٔ مختومقلی دربارهٔ منشأ انسان، تئوری داروین، باور مختومقلی به "قیامت" و اینکه دنیا را فانی می بیند، برای شریعت اهمیت زیاد قائل شدن، برحذر داشتن از کارهایی که شریعت حرام کرده است، شناخت وارونهٔ مختومقلی و...

همانطور که می بینیم نویسنده نه مسائل درجه اول و با اهمیت آفرینش شاعر، بلکه اساساً مسایل دینی را میگوید. مؤلف در ضمن بحق بر برخی از تضادها موجود (در رابطه با این موضوعات) در اثر مختومقلی انگشت می گذارد. همچنین وی

یادآوری می کند که برخیها گاه در بررسی اثر مختومقلی ابیاتی از اشعار او را جدا از مجموعهٔ متن شعر آورده و به نتیجه نادرست می رسند. نویسنده در عین اشاره به "دیوان کامل مختومقلی" اظهار نظر میکند که بعضی از اشعار دیگر شعرا در حکم شعر مختومقلی در این دیوان وارد شده است. برای اثبات ادعای خود صراع "ساز بیلین صحبتی یامان

دیما نکلر" را بعنوان سرودهٔ "غایبسی" مثال می آورد. اما در هیچ جا از منابعی که مورد نقد قرار گرفته نامی بمیان آورده نمی شود. گرچه در این کتابچه توضیحات صخیحی دربارهٔ افکار و ایده های شاعر بویژه افکار صوفیستی وی داده می شود، اما نویسنده عاجز از بررسی ابژکتیو (عینی) اثر بوده و اساساً افکار ایده آلستی شاعر را در نظر دارد و آنرا دلیل مقام ارجمند وی می شمارد. او چنین می نویسد:

"عشق آن عزیز در قلب تمام ترکمنها از بزرگ و کوچک جای داشته و آنها کلمات زرین

او را قاب کرده به او افتخار می کردند و تمام برادران مسلمان روی خاک او جشن گرفته حضرت مختومقلی ایشان را افتخاری بزرگ برای خود می دانستند. در حقیقت کسانی که مختومقلی را خوب میشناسند، میدانند که این احترام برای او زیاد نیست. مختومقلی را نباید تنها در حکم شاعر بلکه در حکم عالم عارف و "پیر" شناخت. مختومقلی پراغی یکی از سروران بزرگی است که گنجینه عظیمی از معرفت و فلسفه اندوخته است. پراغی در دستان پدری عارف پرورش یافت و بکمال رسید. خلاصه مختومقلی عالمی عارف، عارفی معنوی و عاشقی الهی است." (ص ۵)

جمع بندی نویسنده به ترتیبی است که ذکر شد. ولی در حقیقت، جهان بینی شاعر در چارچوب تنگ بیانات بالا نمی گنجد؛ چرا که جنبه اساسی و پسر اهمیت آفرینش شاعر نه در جنبه هنای مذکور، که در تأثیرات اجتماعی - سیاسی و روح مبارزه جویی اشعار او بفتح توده های ستکش و اشعار اخلاقی - تربیتی است که شاعر در آنها مسائل مزبور را انعکاس میدهد. معلوم نیست که چرا این مسئله مهم از نظر نویسنده بدور مانده است؟!.

نویسنده بهر وسیله ای میخواهد خصلت دنیاگرایی در آفرینش مختومقلی را انکار کند و حتی اشعار عشقی شاعر را فقط عشق به خدا قلمداد کند:

"هر غزلی که مختومقلی در مضمون عشقی گفته است در وصف خداست نه در وصف زن، اگر هم در اشعار او نامی از زن برده میشود، این اشعار متعلق به مختومقلی بقیه در صفحه ۶

در باره ...

نبوده، بلکه منتسب به اوست. اگر هم با دلایل اثبات شود که این اشعار متعلق به مختومقلی است حتما عنوان مختومقلی مستعار بوده است. چرا که مختومقلی خود می گوید: "من حاقا عاشقنام یوقدور گویمانیم" کسی که عاشق خداست هیچگاه عاشق خلق نمی شود. حتی می گوید: عاشققلار حاق عشققلندا سیراندادیر، سیراندادا "عشق خدا و عشق یک زن با هم در یک قلب نمی گنجد." (ص ۳۳)

بهبیچوجه نمی توان با این نتیجه گیری یکجانبه موافق بود. البته نمی توان تأثیر ایده های صوفیستی از جمله تأثیر آن را در باب عشق در مرحله ای از آفرینش مختومقلی انکار کرد. اما سعی در وارونه جلوه دادن اشعار دنیوی او هیچ وجه مشترکی با واقعیت ندارد. آیا می توان اشعار شاعر را در وصف اخلاق و رفتار زنان و دختران، بویژه اشعار او را در وصف عشق خود "منگلی"، عشق به خدا نامید؟!

افکار مختومقلی در باره عشق صوفیایی ثابت و پیگیر نیست. او هر چند تلاش می کند به "عشق" خود برسد اما به آن نمی رسد. بالاخره درک نمی کند که "آن" چیست؟ شاعر در شعر "نامه سن" عشق الهی خود را در اجسام جاندار و بیجان و حوادث طبیعی جستجو میکند ولی به نتیجه نمی رسد. سرانجام "دل غمگین" خود را با "خیال او" می فریبد و بخود می گوید:

مختومقلی گچ نامشدان، آرننگدان
ایل گوئوزگیل بو یهاسیز کارینگدان
جاهان دولی سین غاپئل سن یارینگدان

یا مستویسن یا شیدامئنگ، نامه سن؟

بنابر این بخودی خود روشن است تلاشهایی که در جهت امتزاج همه جانبه این اثر ادبی با صوفیزم میشود، اساساً بی پایه است. نویسندہ سعی می کند که مختومقلی را بعنوان صوفی دیرنشین و تارک دنیا و مخالف ساز و آواز و شادی نشان دهد. او حتی مخالف این است که اشعار شاعر را "بخشی ها" بهمراه "ساز" (آهنگ) بخوانند:

"حضرت مختومقلی، عالمی عارف مسلک است. کلمات زرین او را نه در ترانه ها بلکه در حکم منطق باید بکار برد. آن را نه با آهنگها (ساز و قشاق) بلکه باید با پند و اندرزها درهم آمیخت. صاحب کلمات گوهرین و گرانبهای او نه "بخشی ها" بلکه باید بهترین انسانهای روی زمین یعنی روحانیون باشند." (ص ۳۳-۳۴)

این اظهارات چیزی نیست جز اینکه سعی می شود عشق این متفکر بزرگ به زندگی انکار شود و افکار مترقی اش لاپوشانی گردد و برعکس، دیدگاههای ایده آلیستی او بعنوان جنبه ای برتر برجسته شود.

نویسندہ به اینهم قانع نمی شود و مدعی میشود که گویا آثار مختومقلی انسانها را نه برای زندگی در این دنیا، که برای زندگی در آخرت دعوت می کند و بر اساس افکار ارتجاعی خود این را از ویژگیهای برتر دیدگاه شاعر بحساب می آورد. "هر کس دیوان حضرت مختومقلی را بخواند و آن را درست درک کند، از دنیا سیرشده عاشق آخرت میشود." (ص ۱۰) آیا واقعا آثار مختومقلی از چنین خصلتسی برخوردار است؟! آیا آنها انسانها را از "دنیا" سیر کرده و عاشق "آخرت"

می کنند؟!

اشعار شاعر این ادعاها را رد می کند. درست است که مختومقلی تحت تأثیر جامعه آنروزی و شرایط اجتماعی - سیاسی آن زمان در حکم انسانی ایده آلیست، نتوانسته است خود را از افکار ایده آلیستی برهاند و طبیعی است که بعضی باورهای ذهنی هم داشته باشد. اما شاعر هیچگاه انفعال در این دنیا را توصیه نکرده است. برعکس، با تأکید بر تغییر مداوم این دنیا و مرگ انسانها، فعال بودن در این جهان حقیقی و درک ارزش زندگی را، توصیه می کند. او با افشای ترهات ملایان ارتجاعی در باره قیامت مینویسد:

ملا لار آخرت سوزون سؤیلر لر

مؤنگکوز اولمه، گرچک ایشدیر، ایله رلر

کیم بیلر کی آخرتده نیلار لر

اییب، ایچیپ، مونوب، قوچوب، اوت یاغشی
علیرغم حجم کم کتاب، نویسنده در آن حتی به مسائل نابرابری اجتماعی هم می پردازد. اما نویسندہ در این مورد هم سعی میکند دیدگاههای شاعر را از دریچه منافع ارتجاعی خود توضیح دهد و اختلاف طبقاتی را با دستاویز قرار دادن اشعار شاعریدیهی تلقی کرده و نتیجه میگیرد که این ایده های شاعر با قرآن همخوانی دارد:

"خواست ازلی خداوند است که سطح زندگی انسانها با هم متفاوت باشد. یکی فقیر و دیگری ثروتمند. هیچ کس نمی تواند این تقسیم بندی الهی را بر هم زند. بنابراین کلیه مرامهایی که مبلغ برابری انسانها و مخالف تقسیم بندی انسانها به دارا و ندار هستند بر ضد حضرت مختومقلی و قرآن می باشند. پس مرا می بقیه در صفحه ۱۰

«اغوزنامه» حماسه باستانی خلق ترکمن

در متن اثر به این نتیجه می رسد که «اغوزنامه» در قرون ۱۰ - ۹ خلق شده است. آ - م - شبراک با تکیه بر نظرات پ - پللون نتیجه گیری میکند که اثر در اواخر قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ نوشته شده است. دانشمند مزبور به وجود کلمات بسیار «مغولی» موجود در متن استاد می کند و بر این اساس نتیجه می گیرد که کلمات مزبور بعد از یورش مغولها در قرن ۱۳ وارد زبانهای ترکی و از آن طریق وارد «اغوزنامه» شده اند. وی کلمات «جندا»، «چاق»، «آمراق»، «نوکور»، «قورولتائی» را از متن گرفته و عدم برخورد خود با این کلمات در فرهنگ لغت محمود کاشغری را (که در قرن ۱۱ نوشته شده) بعنوان دلیل ارائه می دهد. او کلمات مزبور را کلمات اصیل «مغولی» بحساب می آورد. اما نباید فراموش کرد که این کلمات نه تنها در ادبیات قدیم ترکمن رایج بوده، بلکه در حال حاضر هم فعالانه کاربرد دارند. بعنوان مثال: کلمه «جندا» در ادبیات کلاسیک ترکمن بشکل «جئزئا» استعمال شده است. کلمه «آمراق» به معنی «محرم» در ادبیات معاصر ترکمن در شکل «هامراق» مورد استفاده بسیار قرار می گیرد. گذشته از آن، ورود کلیه کلمات یک زبان به فرهنگ لغت امری است محال. قبل از هر چیز باید در نظر گرفت که زبانهای ترکی و مغولی به یک خانسواده تعلق دارند. بنابراین منطقی است که کلمات مشابه در هر دو زبان به یکسان در طول سالیان دراز بکار برده شوند. قهرمان اثر «اغوزخان» عمر خود را در اطراف

در آورده که بخش مهمی از آن به تأثیر «اغوزنامه» در این اثر حماسی اختصاص دارد. بجاست گفته شود که در بطن «گوراوغلی»، «سوزه» اغوزنامه نهفته است. این اثر از این سوزه منشأ می گیرد. آثار فراوانی با سوزه «اغوزنامه» در دست است. از میان این آثار، یکی بیشتر از همه جلب توجه میکند و آن تنها نسخه دست نویس «اغوزنامه» است که در کتابخانه ملی پاریس نگهداری میشود. محققانی که روی این اثر دست نویس مطالعه می کنند، تصدیق کرده اند که این اثر از روی یک اثر باستانی بازنویس شده است. اثر دست نویس مزبور با الفبای «اویغور» نوشته شده است. اثر کشف شده نظر بسیاری از خاورشناسان را بخود جلب نموده است. این اثر در کشورهای خارجی چندین بار بچاپ رسیده است. آ - م - شبراک اثر ویژه ای را درباره شیوه گفتار اغوزنامه به رشته تحریر در آورده و در سال ۱۹۵۹ آنرا به همراه «اغوزنامه» با شیوه آوانویسی معاصر بچاپ رسانده است. ده سال بعد از این تاریخ، ی - استیلوا «اغوزنامه» را مجدداً به جامعه عرضه داشته است. هنوز نامعلوم است که در چه زمانی نسخه ای که به الفبای «اویغور» نوشته شده است، از روی نسخه اصلی رونویسی شده است. پژوهشگران حدس می زنند که بازنویسی در قرون ۹ - ۸ انجام گرفته است. در باره زمان نوشته شدن اثر اختلاف نظر وجود دارد.

بر اساس منابع تاریخی فراوان و روایات رایج در میان مردم، نسل ترکمنها به اغوزخان می رسد. ن - یا - بیچورین مورخ برجسته روس در قرن گذشته، نوشته بود که اغوزخان در قرون ۲ - ۳ قبل از میلاد می زیسته و در سال ۱۷۴ قبل از میلاد از دنیا رفته است. چینیان باستان به او مده (Made) یا مائو - تون (Tun - Mao) می گفتند. آ - ن - برنشتام در اثر خود به نام «حقیقت تاریخی در افسانه اغوزخان» اندیشه های بیچورین را تکامل داده و آنها را بر اساس غلمی بنیاد نهاده است. آری، در باره سرنوشت، زندگی، عملیات جنگی اغوزخان از ایام باستان روایات زیادی نقل میشود. این روایات بتدریج درهم آمیخته و سوزه واحدی را بوجود آورده اند. آن سوزه واحد هم «اغوزنامه» نامیده شده است. اثر «اولخ خان آتا بنام» اغوزنامه» در قرن ششم از زبان ترکی به زبان فارسی ترجمه شده است. دلایلی در دست است که سوزه «اغوزنامه» نه تنها در ادبیات نوشتاری، بلکه در میان توده مردم هم به میزان زیادی معروفیت داشته است. این اثر تأثیر خود را در شکل گیری افسانه های حماسی اکثر خلقهای ترک بر جای نهاده است. بعنوان مثال، اثر حماسی مشهور قرقیزها بنام «ماناس» را در نظر بگیریم. این اثر با تعقیب شجره نامه «ماناس»، بعد از هفت پشت به «اغوزخان» می رسد. قهرمان اثر خود را «ماناس» پسر «اغوز» می نامد. فولکلورپست قرقیز د - ز - قید ریایف در باره پیدایش حماسه «ماناس» اثری برجسته برشته تحریر

حق تعیین سرنوشت بدست خویش حق همه ملل است

اغوزنامه حماسه...

مغولستان کنونی و " آلتای " سپری کرده است . بنا به نوشته آتاجققیف هنوز هم روایاتی در میان ترکمنها نقل می شود مبنی بر اینکه ، اجدادشان در زمانهای قدیم در آن اطراف می زیسته اند .

حماسه های قهرمانانه خلقهای ترک در فرم داستان آفریده شده اند . فو - لکولوریتها شیوه " داستانی " در ادبیات خلقهای ترک را بر اساس چگونگی خلق آن ، ساختار و فرم آن به دو دسته تقسیم میکنند .

۱ - شیوه داستانی قشچاق

۲ - شیوه داستانی اغوز - ترکمن

شیوه داستانی اغوز - ترکمن با بیان وقایع در شکل قصه و بیان مونولوگ ها و دیالوگ ها در شکل شعر مشخص میشود . در شیوه داستانی اغوز - ترکمن شیوه قافیه بندی مرکب به شکل آ - ب - آ -

ب یا آ - ب - و - ب (در بند آغازین) و آ - آ - آ - ب (در بند پایانی) بیشتر

از سایر اشکال معمول بوده است . در اغوزنامه هم بیان کلمات از زبان پرسناوها به شیوه شعر حفظ می شود . اما در اینجا تفاوتی جدی وجود دارد چراکه در اثر ، کلماتی را که از زبان پرسناوها بیان می - شوند نمی توان در قالب فرم معینی از شعر گنجانند . مثلا شعر پایانی اثر را که از زبان اغوزخان بهنگام تقسیم کشورش بین پسرانش گفته می شود در نظر بگیریم :

ای اوغول لار کؤب من آشتوم
اوروشغولار کؤب من کوردوم
چندا بیله ركب اوق آتتوم
آیغشر بیبرله کؤب یورودوم
دوشمانلارنی یثقلاغوردوم
دوستلارومنی من کؤلدوردوم

کؤک تنگریگه من اؤته دوم

سبزلرگه بره من یورتوم

در این شعر علائمی از شعر دیده میشود . آنها با یکدیگر هم قافیه هستند و مصراعهای آن هموزن می باشند . اما قافیه ها هنوز کامل نیستند . آنها به کمک پسوند ها هم آهنگ میشوند . گرچه

در اثر اشعاری هم وجود دارند که به کمک کلمات هم آهنگ میشوند ، اما شمار آنها اندک است . ای - یا - استبلوا مقاله " اشعار شاعرانه اغوزنامه " خود را

به تحقیق در باره قافیه بندی اشعار این اثر اختصاص داده است . او بدین نتیجه می رسد که قافیه های " اغوزنامه " قافیه های آثار منظوم کلاسیک های دیرین زبانهای ترک در قرون ۱۴ - ۱۱ را بیاد می آورد .

واقعیت بدینگونه هم نیست . مثلا یک بند از شعر را که در فرهنگ محمود کاشغری (که در قرن یازدهم نوشته شده) آورده شده در نظر بگیریم :

به رینگ مانگا سوز قیا

منگلیک قارا توز قیا

یالون توتار کوز قیا

مؤنگوم منینگ بیلینگ - ا

این بند از لحاظ فرم کم و کاستی ندارد . این شعر در فرم مرکب ، که ویژه یکی از اجزای ترکیبی داستانهای ترکمنی میباشد ، سروده شده است .

این بند از ساختار شعری و ریتمیک استواری برخوردار است . از سیلابها استواری برخوردار است . تعداد سیلابهای سطور آن با هم برابرند و از فن قافیه بندی استواری برخوردار است .

مثال های بسیار دیگری را نیز می توان از فرهنگ مذکور ذکر کرد . باید گفت که در آن دوران شعر زبان های ترکی از

نظر ساختار شعری در بالاترین مراحل تکامل خود بوده است . اما اشعار " اغوزنامه " را نمی توان در ردیف این اشعار قرار داد .

در اشعار " اغوزنامه " بیت ها با هم نابرابرند و هماهنگی قافیه ها ضعیف است . بیت ها تابع ریم مشخص نیستند . با ذکر این ویژگیها نمی خواهیم نتیجه بگیریم که اشعار مزبور ساده و ضعیف هستند ، بلکه به این نتیجه می رسیم که این اشعار محصول دوران کودکی اشعار زبانهای ترکی است . در زمان خلق اثر ، هنوز اشعاری با استخوان بندی محکم سروده نشده بود . بنا بر این اثری را که " اولغخان آتا " بوجود آورده ، در طول قرونتمادی بارها بازنویسی شده و آخرین بار با الفبای " اویغور " بازنویسی شده است .

فوزدهمین کنفرانس...

عادل کرده و آزادی و دموکراسی را پایمال نموده است . بقول آلکساندر ریورشچاگوفسکی (نویسنده) استالین و سوسیالیسم نسبت بهم بیگانه اند . سخنان یوری پونداریف (نویسنده) در کنفرانس که در افشای سیاست استالین بیان شده بود ، با استقبال اکثریت حضار مواجه گردید . دبیر حزب کمونیست جمهوری خودمختار کومی حتی پا را فراتر گذاشته خواستار برکناری گرومیکو ، رئیس دولت شوروی ، بدلیل داشتن پستهای عالی در زمان استالین و همکاری با رژیم وی شد . این خواست در واقع هشدار است جدی برای آنانی که در دوره استالین مسئولیتهای حزبی و دولتی داشته و بدون اینکه بخاطر گذشته خود تحت بازجویی بقیه در صفحه ۹

اعلام آتش بس

نتیجه معینی نرسیده است .

رژیم صدام حسین با آگاهی از ضعف رژیم خمینی در ادامه جنگ در شرایط کنونی، همچنان بر الحاق اروندرود به عراق پافشاری می کند و قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره را ملغی شده اعلام می دارد. رژیم صدام حسین ادامه پیشرفت در زمینه صلح را منوط به حل این مسئله می کند. حاکمان رژیم عراق ابایی ندارند از اینکه دم از حمله مجدد بزنند. سردمداران ج.ا. هم با اظهار "قبول قطعنامه ۵۹۸ به معنای پایان جنگ نیست" و یا اعزام نیروهای هر چه بیشتری به خطوط جبهه، نه در صدد پایان دادن واقعی به جنگ که در شرایط فعلی مجبور شده اند به صلح تن در دهند .

در فرصتی که بدست آمده هر دو رژیم جنایتکار به سرکوب اپوزیسیون خود پرداخته اند . رژیم ضد بشری صدام به قتل عام کرد هادست میزند و بر سر زنان و کودکان بی دفاع کرد بمبهای شیمیایی می ریزد و رژیم خونخوار ج.ا. اعضای منتسب به گروههای اپوزیسیون را در ملاء عام به گلوله می بندد . رژیم خمینی نیروهای خود را در جهت سرکوب خلق کرد ایران متمرکز می کند .

این روزها هر دو رژیم یکدیگر را به نقض آتش بس متهم می کنند . هر دو رژیم با بهانه تراشی در راه دست یافتن به صلح واقعی اهداف مشابهی را دنبال میکنند . رژیم جنایتکار خمینی با اعزام بیش از پیش جوانان به جبهه ها ، موضع حق بجانب دفاعی بخود گرفته و کماکان در صدد جلب افکار عمومی کشور به سوی

جنگ و جبهه ها است تا بلکه بدین وسیله بتواند چند صباحی به حساب جنگ و فریب توده ها به حیات ننگین خود ادامه دهد و توجه مردم را از ناپسا مانیهستای داخلی منحرف سازد .

سران جنایتکار رژیم در جهت بهره برداری از موقعیت پیش آمده در صدد اتخاذ سیاست درهای باز هستند. آنها که تا دیروز خواهان به پای میز محاکمه کشاندن سرمایه داران بودند و آمریکای را دشمن شماره یک مردم به حساب می آوردند، امروز به دست و پای تجار و در یوزگی امریالیسم آمریکا افتاده اند. از امریالیسم آمریکا می خواهند که اگر دست از مخالفت با ج.ا. بردارد، حاضرند روابط خود را با آمریکا عادی نمایند. مردم ما بخوبی میدانند که جنگ سران رژیم با آمریکا از ابتدا جنگ زرگری ای پیش نیوده است و ج.ا. همواره روابط خود را با امریالیسم آمریکا، بدور از چشم مردم حفظ کرده اند؛ آخری بین نمونه آن ماجرای " ایران گیت" بود .

خینی که خواب قدس و کرلا و صدور " اسلام عزیز" را به سراسر جهان دز سر می پروراند، در سایه مقاومت مردم و خود داری آنان از حضور در جبهه های جنگ چنان شکستی خورد که آرزوی مرگ را بر مشاهده چنین روزی ترجیح داد!

موقعیت پیش آمده باعث تجدید پیش از پیش اختلافات جناحهای حکومتی خواهد شد و مسلماً بر اعتقاد آن بخش از توده هایی که تا دیروز به خمینی در حکم امام و فقیه خطاناپذیر و نایب امامی که از غیب الهام می گیرد، می نگرستند، ضربه ای جدی زد .

چشم انداز رفح بحران اقتصادی - اجتماعی ای که گریبانگیر جامعه شده است به این زودیها دیده نمی شود . وظیفه نیروهای انقلابی و دموکراتیک کشور است که با درک موقعیت لحظه و اتخاذ سیاستهای انقلابی و مشترک نقش خود را در حوادث جاری کشور بر عهده بگیرند. باید که سرخوردگی از جنگ را به مبارزه بر علیه کمبود و گرانی، اعتیاد و فحشاء، بیکاری و اختناق و در نهایت به سرنگونی ج.ا. ارتقا داد .

اگر نیروهای انقلابی و دموکراتیک نتوانند مهر و نشان خود را بر حوادث کشور بزنند، خواه ناخواه به زائنده و دنباله روی نیروهای دیگر تبدیل شده و در مقابل عمل انجام شده تاریخی قرار خواهند گرفت . لحظه، لحظه ای حساس است و از نیروهای انقلابی و دموکراتیک هشیاری و اصولیت صد چندان طلب می کند .

نوزدهمین کنفرانس

یا تعقیب قرار گیرند در مناصب و مقامهای خویش ایفا شده اند .

نوزدهمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی مردم این کشور را با انبوهی از واقعیات آشنا نموده و دیوار سنگین سکوت را شکست . در این کنفرانس به دوره های مختلف حزب و دولت شوروی پرداخته شده، دوره های استالین، خروشچف و برژنف بعنوان مختلف مورد انتقاد های جدی قرار گرفتند . تنها دوره ای که تاکنون بدور از انتقاد مانده است، دوره پنجاهه نین است . یوری آفاناسیف، رئیس انستیتوی آرشیو های تاریخی مسکو، با بیان: " لنین بهیچوجه بقیه در صفحه ۱۱

گوزلک

پنالاردان، پنالارا قاجمادئم

سوونوق پاصئلئنگ، قوجاقتنا دؤلدوم

اوجاقتمی پلپدیم

قیزقئن عامشئرئنگ، پیرزند ی بؤلدوم

دنگیزلرینگ

دؤیبؤن دؤردیم

یوره گینی اللدیم

دوران آياقئارئنگ

دورشون توختاتدم

تانگئئنگدان

داشدان،

گؤلدن

گؤئنشدن،

مانی گؤزلدیم

أهلی پنالاردان

بی نیاز ادیان

جان ی گؤزلدیم

من سایلپ باشلادئم

تازه دن، باشدان

انسان ی - زنجیردان

قوشی - قاپاسدان

اوی - حایاتدان

اولوسلاری، اؤلکه لری

سرحتدن

من شیتدیمده، سؤنکگؤمینگ

یاد اولقئن د رلدیم

کؤلپتلی گؤنلریمینگ

آقئارنی یئلقتردئم

دئمشئقمی گؤزلدیم

اوجورئپ گؤیبردیم

قاناسیزلئقمی

سؤیگی، یالی گینگ آسمانئنگ آستئندا،

انسانئمنگ

ارکین تانئن سنئلادئم

سئندارئلان هیکلیمینگ اؤستؤنده

کراماتلی :

زئم سوشن امیدیم

کؤکلری سؤقوردئم سالقئمدان یرنه

آتاشلارینگ

قئزئل سئرن آیمادئم

اؤز اوجقون جئقئارئما

هؤورؤکدیم هرنه

پنالاردان، پنالارا قاجمادئم

من دینگ

گؤنأکؤر گؤدک اللرینگ

قاراسایالارئنگ

رؤشن روحومدا

قویان، قالشئنگ کسبک لرین قئر چادئم

ئشنه بالداقئارئنگ گؤنؤن اؤلله یان

باشارسام

بیر دامجا چیقئا اؤورؤلدیم

بوصحرادان

تؤوه لیلأپ کچمدیم

توبراق بیلن نیکالاشان

یئلقتن دی

من المئدام

اؤز اؤرنومی سلئلادئم

پنالاردان، پنالارا قاجمادئم

سانجار

در باره

که مساوات مالی و برابری انسانهاراتبلیغ میکند مقارن ایده های مختومقلی و "شرع شریفه" می باشد (ص ۱۷)

این اظهارات چیز تازه ای دربرندارند. این افکار، ویژه روحانیون آستان بسوس طبقات استثمارگرند. آنها برای حراست از منافع طبقاتی خود با توسل به افکار کهن، بر آگاهی زحمتکشان زهر می پاشند و تلاش میکنند آنها را در حکم بردگان، برای همیشه تحت سلطه خود داشته باشند. نویسنده نمی تواند بر ریشه

اصلی نابرابری های اجتماعی انگشست گذارد و اظهار میدارد که گویا خواست خداوندی چنین بوده است و یا از ازل بر پیشانی انسانها سرنوشت شان حک شده است و مختومقلی را موافق این طرز تفکر قلمداد می کند.

مختومقلی نه تنها نابرابریهای اجتماعی را ابدی نمی داند، بلکه با افشای آن بر علیه این نابرابری می شورد. بنابراین در این کتابچه نه تنها افکار مترقی و مردمی منعکس نمیشود، بلکه تنها به ایده های ایده آلیستی شاعر پرداخته شده است و

این چیزی نیست جز سیاست ارتجاعیون و متعصبین حاکم بر ایران. آنها برای پیشبرد سیاست ارتجاعی خود سعی می کنند مختومقلی را دستاویز قرار دهند. وظیفه ماست که با افشای این افکار شوم چهره حقیقی و میراث ادبی گرانقدر شاعر خلق خود و افکار مترقی و جاودانی او را به جهانیان بشناسانیم و آن را در قبال افتراات و آلودگی ها حراست کنیم.

* قشاق : نوعی آلت موسیقی ترکمنی

** بخشی : خوانندگان ملی و مردمی ترکمنها

قاورئس بیز پیس لری

زأحمت چکیار یس بیز چاقالار اوچین ،
آتا - انه ، قارری بابالار اوچین ،
آلار کلیپ کیپ لرینی چکماگه ،
دؤز گؤنلر قورمادئق آقالار اوچین .

ایسله یاریس پاراحاتلق ایللیری ،
آزاد - ارکین سائراماقا دیللیری ،
مورفینیسست لرائسئرقائشئب گلسه لر ،
قویمارئن من ایساقاماقا گؤللیری .

اؤز ایلیمده سلطان منم ، پگ منم ،
آرتئن بؤلؤپ هیچ بیر کسه دگنیم ،
دوشمان آرتئپ، سؤرؤپ گلسه اؤستومه ،
من الارا هرکیز بؤیون اگنیم .

نمونه ای از شعر مقاومت ترکمن در دوران
سیاه رضاخانی از (قالقان) شاعر آزاده
ترکمن

ایسله منم شهرات بیلن آدی من ،
قاهار - غاضاب گتیر جی بادی من ،
آل چنایلار چیشیپ گلسه اؤستومه ،
یاقدیرارئن دپسیندن آدی من .

تؤزکانه من ، صداقت من ، سادا من ،
تؤکر بؤلؤپ قوللوق ائمن یادا من ،
یول پارازلار دؤلار دؤکسه اؤستومه ،
واطانئمی ساتا بیلمن زادا من .

بو بارزاخستاندا

آنگالئشئب یؤرنلره نادچک ؟
اؤزؤنگ، ماختومقلی بولماسانگه داقی
بو بارزاخستاندا آدام دألر یچک .

بیزینگ دؤینکی داقدرئر دییپ یؤر نمیز
بو گؤن گؤرسک دپه - ده دأل اکنی
ائئر سئراپ یؤر نمیزده قالماندئر
حتئ بوقرالئقئنگ یؤلدور - یوکونی .

تلغن سیم لاریندا ، جئقئلدا - جئقئل
گؤیزده ، بیر ماقصادا یول سالماق اوچین
اؤیشن قارلا واجلار ، آیدئنگ نادپ سیز
بیزینگ آداملاردان ، بیر - بیره یاقین ؟

هر کیمینگ قایقئسی اؤز دؤگؤنچگی
یودالار ، یول لار قوشولمان باریار
بیر - بیره گی دینگلمکدن باررأکده
هنیز ، اؤز سه سینم ائشد میائلر بار

بیزی قورشان ، بو قلماشئق هاوادا
قاسامئنی سئقئرئپ یؤر کیمسه لر
گئنگ دأل اؤنسؤنگ مۇجکلره چؤرنگئش
ایتلر ییمیز ، گؤندیز قویون سورسه لر .

اوچقون گؤزلرنگیزه ، باقتئپ قانمایان
من یئلئشئب بیلجک ، شیله گؤزلردن
ایسم بیان ادینگ ، بو سایا گؤزلر
نأحیل گچیب بیلر ، کؤر گؤزلردن ؟

ای دانا دیده لی قارلاواج جئق لار
آیدئنگ نیرده ، آغئزی بیر آق مایاسی
آیدئنگ هاجان ، بو تئیراقدان سئیرئلار
آغئز آلالئق آؤدارئقئنگ سایاسی ؟

آراسئندا ، خدای بیلن خورمانئنگ

بؤری دین ، یئل لار بیزی بؤلؤدیر
قاداملار آز ، بیرلشیکه ادیلم
خود پارازلئق ، پیله سینده بیر ییمیز
بیر ییمیزی بؤت پارازلئق جادئلان .

نوزدهمین کنفرانس...

تابو نیست ، بررسی این دوره را نیز
مستثنی نمی داند .
نوزدهمین کنفرانس حزب کمونیست به
عینه نشان داد که پروسترویکا باید بسیاری
از نقاط تاریک حزب کمونیست و دولت
شوروی را روشن نموده و به سوالات پیشمار
پاسخ دهد . این کنفرانس نشان داد که
پروسترویکا چه راه دشوار و پر پیچ و خمی
در پیش دارد و طی شدن این راه چه
مبارزات سختی را طلب می کند .

ینه - ده اؤزؤم

کلله نگ نأمه دیکین ایله اؤوره دیپ ،
غالدینگ اؤیدیان کلله سیز .
حیله نگ نأمه دیکین ایله اؤوره دیپ ،
عمرینگ اؤتدی حیله سیز
قوشقئنگ نأمه دیکین ایله اؤوره دیپ ،
اؤزؤنگ غالیانگ قوشقئنگدان .
عشقئنگ نأمه دیکین ایله اؤوره دیپ ،
اؤولیا کسین ، اؤزؤنگ غالجاج عشقئنگد
کریم قربان نپس آف

عمرینگ نأمه دیکین ایله اؤوره دیپ ،
حار ائدینگ اؤز عمرینگ .
حایرینگ نأمه دیکین ایله اؤوره دیپ ،
کؤر ائدینگ اؤز حایرینگ .
دؤورینگ نأمه دیکین ایله اؤوره دیپ ،
غالدینگ یئندام دؤورینگدان :
سین پیادا ، کپ لر چاپیار ماشینلی -
سو ساییسین بؤورینگدان !

تمام نیروی خود را برای نجات جان زندانیان سیاسی کشور بسیج کنیم

هموطنان عزیز

هموطنان عزیز، هم اکنون که افکار عمومی جهان متوجه آتش بس بین ایران و عراق است رژیم آدامکش خمینی فرصت را غنیمت شمرده و در صدد اعدام انقلابیون برآمده است. بر اساس اخبار موثق هم اکنون، حکم اعدام ۵۵ تن از زندانیان سیاسی کشور صادر شده است و آنها منتظر اجرای حکم میباشند. رژیم خمینی برای جبران شکست خود در جنگ و برای زهر چشم گرفتن از مخالفین، قصد پلیس نابودی انقلابیون این مرز و بوم را دارد. مردم ایران، شما با عدم حضور خود در

جبهه های بی بازگشت و مخالفت با ادامه جنگ "جام زهر" را به سران جنگ طلب ج. ا. خوراندید. شما قادرید با هبستگی و مبارزه متحد خود این لکه ننگ را از دامن ایران زمین پاک کنید. مبارزه خود را در جهت نجات جان زندانیان سیاسی، آزادی فرزندان خلف خود از سیاهچالها، رژیم هر چه بیشتر افزایش دهید. چرا که کلام آخر از آن شماس است.

مهاجرین خارج از کشور!

صدای اعتراض خود را علیه جنایات رژیم بلند کنید. در جهت هبستگی افکار جهانی با زندانیان سیاسی ایران

همه تلاش خود را بکار برید؛ جهانیان را از درخطر بودن جان ۵۵ تن از زندانیان سیاسی ایران آگاه کنید. هم - بستگی و تلاش شما در جهت کسب پشتیبانی افکار عمومی جهان با زندانیان سیاسی ایران و افشای رژیم آدامکش خمینی. در انظار جهانیان مسلما عامل مهمی در انزوای بین المللی رژیم خواهد بود. با بسیج افکار عمومی جهان رژیم را مجبور به عقب نشینی از کشتار ۵۵ تن از زندانیان سیاسی ایران نمائید.

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن

دو زهای سخت ...

باشد. رژیمهای ایران و عراق از هیچ فرصتی جهت سرکوب جنبش حق طلبانه کردها غفلت نورزیده به محضر قراغت از جنگ، عهده نیروی خود را جهت سرکوب این جنبش خواهند نمود.

رژیم عراق بلافاصله بعد از اعلام شدن آتش بس به بمباران های هوایی مناطق کرد نشین پرداخته و با بکار بردن گازهای سمی شیمیایی در این بمبارانها تعداد کثیری از کردها، بخصوص زنان و کودکان را مقتول و معلول ساخته است.

در صورت انعقاد قرارداد صلح بین ایران و عراق، یکی از مفاد آن را توافق بر سر سرکوب خلق کرد تشکیل خواهد داد.

کرد های ترکیه نیز وضعیت چندان بهتری از برادران کرد خود در ایران و عراق ندارند. آنان بطور مداوم، بویژه از سال ۱۹۸۴ به این سوی، مورد حمله

وحشیانه رژیم ترکیه واقع شده اند. ارتش ترکیه به کردهای جنوب شرقی آناتولی بازها و بارها یورش برده بسیاری از آنان را بقتل رسانده است. سرنوشت کردها یکی از دردناکترین سرنوشت های معاصر است. مردم کرد که در کشورهای مختلف بسر می برند، همواره از حق تعیین سرنوشت خویش محروم بوده اند. آنان از طرف هر رژیمی که تاکنون در کشورهای مربوطه روی کار آمده اند، تحت فشارهای وحشیانه قرار گرفته قتل و غارت شده اند. یکی از مشخصات بارز و باعث افتخار کردها، استقامت دلیرانه در برابر تمامی حملات و اجحافات و تن ندادن آنان به تسلیم و بردگی بوده است. وجود سازمان های مستقل انقلابی کردها نقش اساسی در سازماندهی این استقامت و بطور کلی جنبش حق طلبانه را داشته اند.

ترکیه که اکنون به پناهگاه بسیاری از کردهای عراقی تبدیل شده است، همین

چندی پیش بود که نیروی هوایی ارتش آن با تأیید کامل رژیم عراق، کردهای عراقی را هدف بمبارانهای وحشیانه خود قرار داده تعداد کثیری از آنان را بقتل رسانده بود. اینکه اکنون چه سرنوشتی در انتظار کردهای پناهنده به ترکیه است، قابل تعمق است.

آنچه که مسلم است اینکه رزمندگان کرد با ادامه مبارزات انقلابی و حق طلبانه خود - که دیگر به سرشت خلق کرد تبدیل شده است - بردشواریهایی فعلی نیز فائق آمده، به اهداف مقدس خود دست خواهند یافت.

آدرس در خارج از کشور

PLK
Nr. 117009 C
5000 KÖLN 1
WEST-GERMANY

پایدار باد خاطرۀ شهدای جاوید خلق ترکمن!